

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسخ به نامه آقای مهدی عباسزاده که در تاریخ ۷ / دی / ۱۳۹۵ برای ما ارسال شده که در وبلاگ رسولان نیز منتشر شده است.

پس از ابلاغ سلام، عرض می‌شود:

گفتید: ۱. «بخاطر اینکه برخی سؤالات را خارج از بحث و موضوع دیدم از پاسخ به آنها خودداری کرده‌ام.»

جواب: به شما عرض می‌شود که اولاً، برخی سؤالات مطرح شده، بخاطر نامفهوم بودن جواب‌های شما بوده که باید آنها را شرح دهید و این حق سؤال، برای کسانی که مطالب شما را می‌خوانند، محفوظ است و لذا اشکال شما وارد نیست. ثانیاً، بقیه سؤالات مطرح شده نیز کاملاً به بحث ربط دارد. قرار بر این نیست که ما ربطش را به شما بگوییم. شما پاسخ دهید، ربط داشتن یا نداشتن آن خود به خود اثبات می‌شود. (متأسفانه شما بدون اینکه تمام جوانب یک آیه را در نظر بگیرید و بدون تأمل، نظریه پردازی کرده‌اید. در صورتی که یک محقق اگر بر اساس آیات و روایات، نظریه پردازی می‌کند، باید تمام جوانب و احتمالات را در نظر بگیرد و به شبهات احتمالی مربوط به همان آیه یا روایت پاسخ دهد تا بتواند نظر نهایی را بیان کند.) ثالثاً، ما از ارث و قصاص و دیات سؤال نکردیم که شما می‌گویید بی‌ربط است، بلکه این بی‌ربطی در برخی از مطالب شما به وضوح مشهود است که با کمی صبر، به زودی برای مؤمنین شرح خواهیم داد، إن شاء الله.

۲. «ما بیش از پیش به این نتیجه رسیدیم که نباید به این سؤالات جواب دهیم.»

جواب: احتمالاً دلیلش این است که یا پاسخ به این سؤالات در حیطه سواد علمی شما نیست و یا اینکه پاسخ به این سؤالات را مخرب نظریه خود می‌دانید، لذا برای اینکه اعتراف به بطلان نظریه خود نکنید، بهترین کار را جواب ندادن دانسته‌اید؛ ولی ما به شما عرض می‌کنیم که خدای متعال می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ ...) «سوره نساء، آیه ۱۳۵»

۳. «مقاله ما طبق مبنای قرآنی آیت الله صادقی تهرانی رحمه الله علیه است.»

جواب: اینجانب به عنوان یکی از شاگردان استاد گرانقدرمان عرض می‌کنم: ما صریحاً از گفته شما اعلام برائت می‌کنیم. مطالب شما نه تنها بر مبنای فقه گویای قرآنی نوشته نشده است، بلکه حتی مطابق با فقه سنتی حوزه هم نیست؛ و متأسفانه بر اساس توهمات است که در ضمیر شما به جوشش افتاده؛ و چون در ذهن شما تذلل فکری ایجاد کرده بود و تحمل این توهمات برای شما مشکل بود، صلاح دانستید تا دیگران را نیز در این توهمات، شریک کنید و خود را تخلیه نمایید.

۴. خوب آقایان سؤال کننده هم مدعی هستند که مبانی قرآنی را به خوبی می‌دانند. بنابراین کافی است که ایشان با همان مبانی قرآنی که می‌دانند مقاله «حجاب در اسلام» را رد کنند و بگویند این حرف شما طبق این مبانی قرآنی غلط است و اصلاً نیازی به دانستن مبنای نویسنده مقاله ندارند.

جواب: هرچند با مبانی قرآنی پاسخ شما داده خواهد شد، ولی بر آنیم که مستند به تراوشات ذهنی شما، پاسخ مستدلّ داده شود تا راه بهانه‌تراشی مسدود گردد.

۵. تاکنون ندیده‌ایم که افراد دلسوز و عالم، جواب به یک شبهه یا مقاله را موکول کنند به پاسخ دادن نویسنده مقاله به هزار و یک سؤال آنها. البته شاید این بهترین بهانه برای جواب ندادن و طفره رفتن از پاسخگویی باشد.

جواب: اولاً، مطمئن باشید که سؤالات به «هزار و یک» نخواهد رسید؛ زیرا در حیطة سوادِ علمی شما نیست. ثانیاً، طفره رفتن در کار نبوده و نیست. علت تأخیر، سه چیز بوده است: ۱. فرصت به شما برای اینکه به مقاله خود رجوع کرده و اعتراف به بطلان آن کنید. ۲. خواستیم تا آنجایی که ممکن است، آبروی شخص مسلمان را حفظ کرده باشیم. (ولی متأسفانه خودتان آن را علنی و اینترنتی نمودید که عواقب آن مربوط به خودتان است). ۳. مشغله کاری خودمان (اعم از کارهای شخصی در زندگی عادی، تألیف کتاب، پاسخ به سؤالات، پیگیری نشر تفکر قرآنی که مهجور است و ...).

۶. صراحتاً عرض می‌کنیم که اگر آقایان در برابر استدلالهای مندرج در مقاله «حجاب در اسلام» ردی دارند مطرح کنند و ما پاسخ دادن به سؤالاتی که پایانی ندارد و خارج از بحث می‌باشد را صلاح نمی‌دانیم و صد البته آماده شنیدن استدلالهای صحیح قرآنی هستیم هر چند باعث مفتضح شدن ما باشد چرا که ارزش و احترام یک حکم قرآنی را از آبرو و جایگاه خود بسی برتر و والاتر می‌بینیم.

جواب: اگر شما برای حکم قرآنی ارزش قائل بودید، چنان نظریه‌ای را که فاقد ارزش علمی است، بر قرآن تحمیل نمی‌کردید. فاقد ارزش علمی بودن این مطالب به زودی بر مؤمنین روشن خواهد شد، إن شاء الله.

۷. از آنجا که بعضاً فضای ناسالمی بین برخی دوستان شکل گرفته و سم‌پاشی‌هایی شده و هجمه‌های ناجوانمردانه‌ای برای تخریب حکم قرآنی صورت گرفته است و دوستان از این ماجرا کمی مکدر شده و از طرفی دل‌بند به حکم قرآنند و خلاصه نگران همه چیزند به نظرم آمد این متن را بنویسم تا در نهایت خدای نکرده کسی به خاطر مسائل حاشیه‌ای از حکم قرآن اعراض نکند.

جواب: ما که فقط برای شما سؤالاتی را ارسال کرده‌ایم و هنوز پاسخ نداده‌ایم تا مثلاً حکمی قرآنی را تخریب کرده باشیم؛ زیرا قرآنی بودن آن فقط در حدّ یک ادّعا است. در نتیجه، چون شما نظریه پردازی کرده‌اید و مقاله نوشته‌اید که ما و تمامی فقها آن را مخالف قرآن می‌دانیم، پس ظاهراً آن کسی که هجمه‌ای ناجوانمردانه برای تخریب حکم قرآنی در پیش گرفته، خود شما هستید!

۸. شاید نویسنده مقاله «حجاب در اسلام» انسان بسیار بدی باشد اما در عین حال استدلالش به قرآن صحیح باشد.

جواب: إن شاء الله به زودی اثبات خواهد شد که استدلال شما به قرآن هرگز صحیح نیست.

۹. طبق مبنای قرآنی ما که همه در ادامه راه آیت الله صادقی تهرانی رحمه الله است، اگر حتی یک کافر بیاید و استدلال صحیحی با استناد به قرآن انجام دهد و برای ما مشخص گردد که این مطلب حکم قرآن است باید از حکم قرآن تبعیت کنیم.

جواب: مطمئن باشید که مبنای شما هرگز در ادامه راه مفسر بزرگ قرآن، آیه الله العظمی صادق تهرانى رضوان الله تعالى عليه نیست؛ زیرا ایشان به صراحت فرموده‌اند: «مرجع فتوا باید اتقی و اعلم قرآنی باشد».

حال در اینجا به آن دسته از مؤمنینی که مباحث فوق را پیگیری کرده‌اند، اعلام می‌شود:

چنانچه آقای مهدی عباس‌زاده، پاسخ تمامی سؤالات ۲ / ۱۰ / ۱۳۹۵ را پاسخ دهند، یک مرحله دیگر - که مرحله نهایی است - سؤالاتی ارسال خواهد شد و بعد از آن هیچ سؤالی از ایشان پرسیده نخواهد شد. (سؤالات بطور فنی طرح شده است، چنانچه مرحله‌ای بودن آن نیز دقیق بوده است).

در نتیجه: جواب ندادن ایشان به پرسش‌های ارسالی، دلالت بر عجز ایشان از پاسخ به سؤالات است، همچنین که پس از پاسخ ایشان، چنانچه از جانب ما پاسخی به مقاله داده نشد، قطعاً دلیل بر عجز ماست.

تذکر: از آنجا که متن پاسخ‌های ما بر اساس مقاله ارسالی آقای عباس‌زاده در حال تنظیم است، به ایشان عرض می‌شود: ملاک ما برای پاسخ به شما فقط مقاله حجاب در اسلام و پاسخ‌هایی است که برای ما ارسال نموده‌اید نه وبلاگ رسولان. والسلام

۱۳۹۵ / ۱۰ / ۱۶

علی چراتیان